خبر

پوشش روزانه «سینما حقیقت» در رسانه ملی

هفدهمین دوره از جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت در قاب برنامه‌های تلویزیونی «گزارش روزانه»، «کافه‌مستند» وویژه‌برنامه سینما حقیقت شبکه مستند منعکس می‌شود. گزارش روزانه به تهیه‌کنندگی علی بختیان، عنوان برنامه‌ای است که هر شب از قاب شبکه تهران سیما به مهم‌ترین رویدادهای برگزاری هفدهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت می‌پردازد. در برنامه گزارش روزانه که اجرای آن را المیرا سماواتی به‌عهده دارد، گزارش‌های روزانه با آیتم‌هایی مختلف و متنوعی تقدیم نگاه مخاطبان می‌شود. گفت‌وگو با مدیران جشنواره، فیلمسازها و کارگردان‌هایی که به این جشنواره آثار ارائه داده‌اند، از بخش‌های اصلی این برنامه است که از قاب شبکه تهران تماشایی می‌شود. پخش ویژه‌برنامه جشنواره سینماحقیقت نیز از نخستین روز این رویداد در قاب شبکه مستند سیما آغاز شده‌است. این برنامه هر روز ساعت ۱۹ با مرور رویدادهای روزانه این جشنواره از شبکه مستند پخش می‌شود. همچنین برنامه زنده کافه مستند به تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمدعلی محمددوست ویژه‌برنامه جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران سینما حقیقت از دوشنبه ۲۷ آذرماه روی آنتن شبکه افق رفت و تا اول دی ماه که آخرین روز از این رویداد است، ادامه دارد. برنامه زنده کافه مستند تهیه شده در گروه مستند شبکه افق، از ۲۷ آذر تا یک دی‌ماه، ساعت ۱۸ تا ۱۸ و ۴۵ دقیقه روی آنتن می‌رود.



یادداشت

سیدمحمد سلیمانی | منتقد



نگاه خلاقانه به «حقیقت»

هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند سینما ایران «سینماحقیقت» در نخستین روز نمایش آثارش، شروعی امیدوارکننده داشت. از بین آثار به‌نمایش‌درآمده، دو مستند میان‌مدت «مایکا» و «کنج» و مستند بلند «تکثیر در اسارت» نویدبخش ارتقای سطح کیفی مستندهای ایرانی با مضامین محیط‌زیستی، اجتماعی و تاریخی بود.

«مایکا» حدیث رنج‌های بوسنی

سال‌ها پس از پایان نسل‌کشی صرب‌ها در بوسنی‌وهرزگوین و قتل‌عام مسلمان در «سربرنیتسا» دختری که پدرش در زمان وقوع جنگ در میانه معرکه حضور داشته و با بهیاری به‌نام «چاپار آئودیچ» معروف به فریدا آشنا بوده است، سراغ فریدای کهنسال می‌رود تا گوشه‌ای از خاطراتش را مرور کند. این مستند ۵۵ دقیقه‌ای هم به لحاظ مضمون‌یابی و پژوهش و نقب‌زدن به تاریخ یکی از فجیع‌ترین جنایات نسل‌کشی در اروپا واجد ویژگی‌هایی قابل تامل است و هم در مرحله ورود به دنیای بهیار سالمندی که مدت‌ها شاهد کمک ایرانیان به مسلمانان بوسنی در زمان حمله صرب‌ها بوده است، به گونه‌ای عمل کرده که به دور از هرگونه پرداخت شعاری و جانبدارانه، با ورودی جزئی‌نگر به زندگی فریدا و کشف رمز عکسی که در آلبوم او دیده می‌شود، از زاویه‌ای دیگر به موضوع انتخاب‌شده نگاه می‌کند و این بار از طریق تمرکز روی دنیای زنی که هیچ‌گاه مادری را تجربه نکرده اما آرزوی دیدار بچه‌های جنگ‌زده‌ای را که مدتی از آنها مراقبت کرده در همه وجودش پرورانده است، با یک غافلگیری تمام‌عیار روبه‌رو می‌کند.

* کنج؛ حکایت پنجره‌ها و آدم‌ها

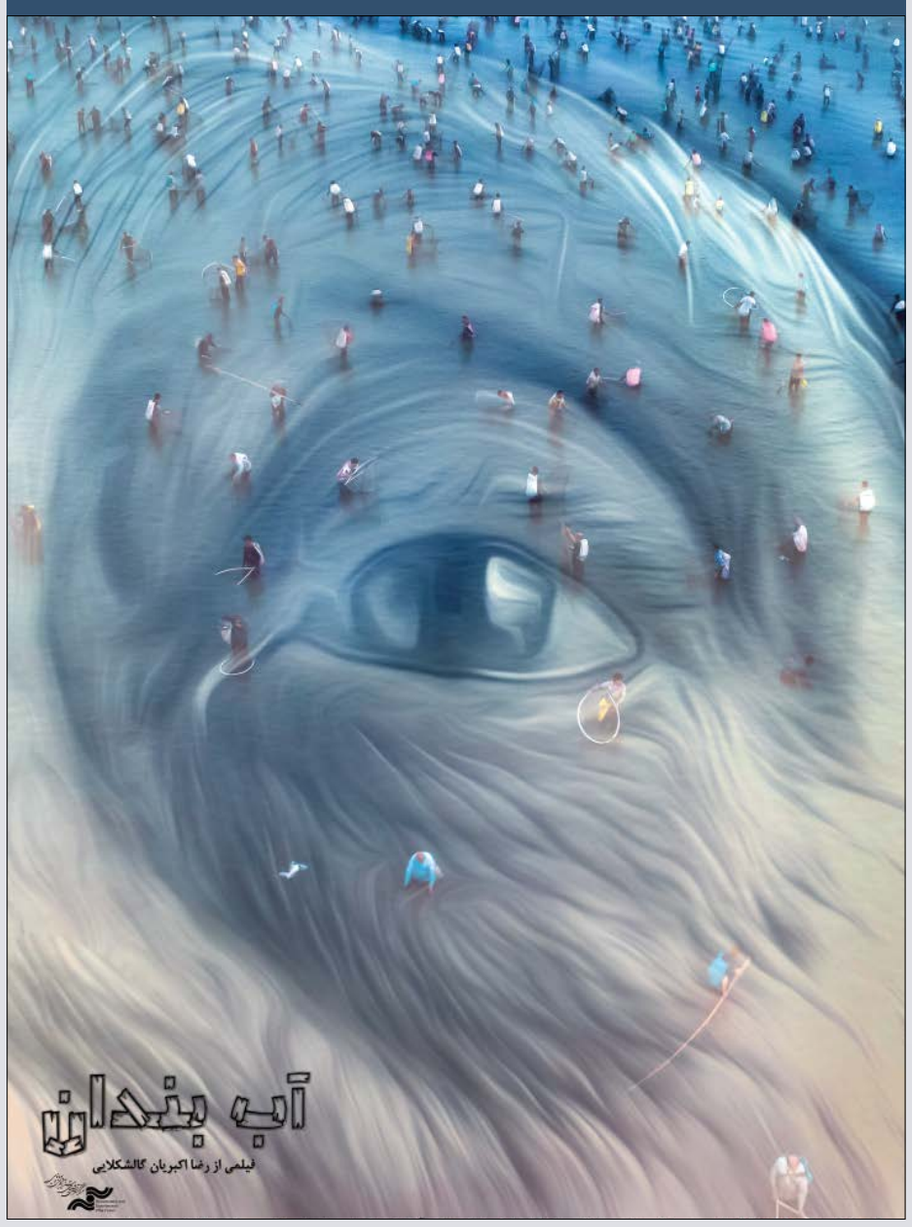
کنج، بدون تردید یکی از مستندهای شاخص هفدهمین جشنواره فیلم سینماحقیقت در گونه اجتماعی خواهد بود. مضمونی که می‌توانست به‌سادگی تبدیل به گزارشی تلویزیونی از کیفیت نازل مسکن مهر یاسوج شود، با نگاه خلاقانه مستندسازی که تصمیم می‌گیرد علاوه بر گزارش کم‌کاری مسبوق به سابقه در عرصه شهرسازی با نگاهی زیباشناسانه به زندگی آدم‌هایی بپردازد که نیاز آنان را وادار به سکونت در آپارتمان‌هایی با پایین‌ترین سطح امکانات شهری کرده است به اثری هنری تبدیل می‌شود. اغلب آنهایی که طرف صحبت مستندساز قرار گرفته‌اند، آگاهانه از قاب پنجره‌های فرسوده همین آپارتمان با او از رنج‌های‌شان سخن می‌گویند و او با انتخاب برخی از ایشان ازجمله خیاط شاعر و همسرش یا دختری که در زمین خالی جنب مجتمع مسکونی با دست خالی برای پدر بزرگ و مادربزرگش خانه دلخواهش را طراحی می‌کند، بازهم با غلبه نگاه خلاقانه، به پرداختی تلخ شاعرانه و درعین حال امیدوارانه می‌رسد.

جاذبه‌های انقراضی قریب‌الوقوع

«تکثیر در اسارت» اما گزارشی جذاب و تکان‌دهنده از همه اتفاقاتی است که طی سال‌ها برای حفظ نسل آخرین بازمانده‌های یوز آسیایی در ایران رخ داده. مستندساز، آگاهانه با انتخاب گویاترین تصاویر موجود از همراهی با محیط‌بانان درگیر موضوع حفاظت از یوز ایرانی و این‌بار تلاش آنان برای تکثیر یوزها در اسارت، شرنگ شکستی غمناک را به جان مخاطب می‌نشاند. ویژگی اصلی این مستند شاخص در گونه محیط‌زیست آن است که دوربین مستندساز همچنان که تمرکز خود را روی زندگی و تولیدمثل یوزها حفظ می‌کند، محیط‌بانان و دامپزشکان را هم در کانون توجه خود قرار می‌دهد و با لحظه‌لحظه نگرانی‌ها، شادی‌ها، امیدها و ناامیدی‌های‌شان همراه می‌شود و همین ویژگی، درعین حال که مخاطب را به شناخت درستی از شخصیت محیط‌بانان یا به استناد تیتراژ پایانی اثر «یوزبانان» می‌رساند، جذابیت کافی برای دنبال‌کردن سرنوشت یوزهای در اسارت ایجاد می‌کند.

گفت‌وگو با رضا اکبریان، کارگردان مستند «آب بندان»

مرگ تدریجی میرآب‌ها



علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

تمرکز ویژه هفدهمین جشنواره سینماحقیقت به عنوان مهم‌ترین رویداد رقابتی سینمای مستند ایران بر دو بحران اساسی امروز کشور یعنی آب و مساله جمعیت، محمل و بستری مناسب برای پیوند ذوق و خلاقیت فیلمسازان و هشدار هنرمندانه آنها درباره این چالش‌هاست. مستند نیمه‌بلند «آب بندان» به کارگردانی رضا اکبریان گالشکلایی یکی از نمونه‌های درخشان این دوره جشنواره سینماحقیقت است که با روایتی جذاب و اثرگذار، نسبت به تراژدی بحران آب هشدار می‌دهد؛ فیلمی که اگرچه نصیبی از سانس‌های خوب این دوره نبرده (یک نوبت نمایش در ساعت ۱۵ روز گذشته و یک سانس هم در شب یلدا و ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه پردیس چارسو) اما خوشبختانه در اکران آنلاین هم موقعیت تماشای این مستند فراهم است و می‌توانید با مراجعه به سایت هاشور، این فرصت را مغتنم بشمارید.

شاید خیلی‌ها با اصطلاح آب بندان آشنا نباشند؛ آیا آب بندان یا آب بندها همان تالاب‌های دست‌ساز هستند؟

آب بندان الان به اسم تالاب‌های انسان‌ساخت شناخته می‌شود اما در زمان‌های دور، نیاکان ما این سازه‌ها را برای ذخیره‌سازی آب در مصارف کشاورزی می‌ساختند. طی سال‌ها به خاطر وجود همین آب ذخیره شده و مدیریت شده، زیستگاه‌های گیاهی و جانوری هم به وجود آمد، رشد کرد و تبدیل به تالاب‌های انسان‌ساخت شد.

اینکه سراغ روایت آب بندان رفتید به دلیل طرح معضل و موضوع نابودی آنها بود یا تجربه زیستی در این مورد داشتید؟

یکی از همین آب بندان‌ها، نزدیک زادگاه پدری و محل زندگی‌مان است و دوران کودکی من در نزدیکی همین آب بندان گذشت. می‌دیدم که در فصول مختلف، پرندگان به این آب بندان مهاجرت می‌کردند؛ مهاجرتی که کارکردی برای بومیان منطقه هم داشت. یعنی آب بندان تنها برای امور کشاورزی نبود، اگرچه مهم‌ترینش ذخیره‌سازی آب برای مصارف کشاورزی بود اما مشتقاتی هم داشت و صید ماهی و شکار پرندگان هم باعث تامین غذا و درآمدزایی بومیان می‌شد. در طول سالیان، من این فرآیند و پیوست زیستی محیط و اهالی با آب بندان را می‌دیدم. پدر من هم کشاورز بود و عمده مصرف آب زمین کشاورزی‌اش از همین آب بندان تامین می‌شد. همیشه برایم دغدغه بود که کاری در این زمینه انجام بدهم و این سازه را معرفی کنم؛ این‌که سازه خاکی آب بندان حدود ۵۰۰ سال قدمت دارد و چقدر روی زندگی مردم آن مناطق تاثیر گذاشته است. باتوجه به این‌که خیلی از کارشناسان صاحب‌نظر هم راجع به آب بندان نظر داده‌اند و این سازه خاکی را تنها دست‌ساز بشر می‌دانند که به خلقت هم کمک کرده است. این اکوسیستم باعث ایجاد ۱۷۰ نوع گیاهی و جانوری و یک زیست مسالمت‌آمیز در محدوده آب بندان شد. زیستی که تا همین دو دهه قبل ادامه داشت اما متاسفانه از آن زمان سازمان‌های جهاد کشاورزی و سیستم‌های آب منطقه‌ای تصمیم گرفتند این آب بندان‌ها را رسوبگیری کنند. این رسوبگیری و خاکبرداری باعث نابودی بافت زمین شد و خیلی از این آب بندان‌ها صرفا به پرورش ماهی تبدیل شدند. از آنجا که به زیرساخت‌های زمینی آسیب وارد شده، در برخی مناطق مازندران ما به شورابه رسیدیم و آب بندان‌ها عملا کارکردشان را از دست دادند.



با این تفاسیر، دیگر آب بندانی در مازندران باقی مانده؟

آن کارکردی که آب بندان‌ها در گذشته داشتند و در فیلم هم به آن اشاره شده، تا حدود زیادی در بیشتر مناطق مازندران از دست رفته است و شاید تنها یکی دو آب بندان آن بافت سنتی خود را حفظ کرده باشد.

این مساله در مستند شما اشاره نشده و بیشتر روی وجوه مثبت آب بندان و نقش مهم آن در زیست بوم تمرکز کردید اما در برخی اخبار این سال‌ها، بحث آب بندان‌های غیرمجاز هم مطرح شده و گاهی خبر تخریب آنها را در رسانه می‌خوانیم.

می‌توان گفت اصلا آب بند غیرمجاز نداریم.

یعنی این یک تعریف و توجیه قانونی برای تخریب آب بندان است؟ چون در یکی از همین خبرها آمده که آب بندهای غیرمجاز استان گلستان در راستای عدالت توزیع آب تخریب شدند.

نمی‌توان اسم آنها را آب بندان گذاشت. آنها سازه‌هایی هستند که بومی‌ها به آن اِستِل می‌گویند؛ نوعی استخر ماهی است که برخی اشخاص آنها را ایجاد می‌کنند و ممکن است باعث تغییر مسیر آبی کشاورزان منطقه شود و آن را تحت‌الشعاع قرار دهد. از این نظر مدیریت آبی استان در مورد تخریب این سازه‌های غیرمجاز، کار درستی انجام می‌دهد. آب بندان به تصمیم جدی اهالی روستا برمی‌گشت که جمع می‌شدند و نسبت به ساخت این سازه و آب‌گیری آن اقدام می‌کردند. البته مستند آب بندان یک فیلم آماری نیست و نیامدیم آمار و ارقام ارائه دهیم. هرچند می‌شد آن شیوه را هم درنظر گرفت و فیلمی چالشی ساخت اما مدنظر ما نبود. همین امسال خبر رسید که سد شهید رجایی هم در مازندران خشک شد و آبی برای کشاورزان نداشت. تنها آبی که کشاورزان منطقه را سرپا نگه داشت، از همین آب بندان موجود و باقیمانده مازندران تامین شد.

امسال تمرکز و اولویت جشنواره سینماحقیقت بر دو بحران آب و مساله جمعیت است. به جز توجهی که فیلم شما در این موضوع جلب می‌کند، مستند آب بندان انگار با این روایت و ذکر خیر ایام قدیم، نیم‌نگاهی هم به بحث ذخیره‌سازی و مدیریت آب در زمانه بحرانی امروز دارد و می‌توان با نگاه به آن الگوی تعریف شده، این فیلم را یک هشدار آبی و زیست‌محیطی هم درنظر گرفت.

بله، درست می‌گویید. یکی از امتیازات این آب بندها برای بومیان، بحث تغذیه سالم و صید و مصرف ماهی‌های غنی و ارگانیک است. خیلی از این ماهیان بومی که در مستند می‌بینیم، به جز یکی دو نقطه عملا در هیچ جای دیگر مازندران نمی‌بینیم و منقرض شده‌اند. با تخریب بافت و زیرساخت منطقه، دیگر هیچ املاحی وجود ندارد، بنابراین ماهی‌هایی که در این محیط پرورش می‌یابند، چطور و با چه منابعی باید رشد کنند؟ یعنی با حجم فضولات موجود در محیط، ماهی‌های مسمومی سر سفره‌های مردم می‌رود. در حالی‌که در زمان قدیم و تا دو دهه قبل، همه چیز روال درست و طبیعی خود را در این زیست بوم طی می‌کرد و صید و معیشت مردم به راه بود. تا زمانی هم صید و شکار به اندازه بود و در هماهنگی با محیط زیست قرار داشت و اهالی به قدر مصرفشان صید و شکار می‌کردند.

اما در همین مستند آب بندان، اتفاقا سکانس‌های شکار نشان از زیاده‌روی شکارچیان دارد و به نظر باید آن را به عنوان یکی از نقاط آغاز انحراف از مسیر همزیستی مسالمت‌آمیز دانست؛ مساله‌ای که باعث تسریع نابودی آن زیست بوم و آب بندها شد.

قصدم طرح همین موضوع بود که با تشدید شکار پرندگان، تخریب زیست‌بوم و آب بندان‌ها هم شروع می‌شود.

آن ماجرای زخمی شدن شکارچی موقع شلیک به پرنده‌ها که در فیلم می‌بینیم، واقعی است یا بازسازی شده؟ همان جایی که راوی از غضب خداوند حرف می‌زند.

این تصاویر کاملا مستند است.

خیلی جذاب و سینمایی است.

پدرم با وجود این‌که کار کشاورزی می‌کرد، فیلمبردار هم بود. این هم یکی از تصاویری است که ایشان فیلمبرداری کرد. من همیشه این راش‌ها را می‌دیدم و رغبت زیادی برای استفاده از آنها در فرصتی مناسب داشتم.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فیلم، انتخاب این زاویه دید برای روایت موضوع آب بندان است، این‌که ما ماجرا و تاریخ اوج و حضیض این سازه را از زبان همسر کهنسال یک میرآب فقید می‌شنویم. اول پای حرف‌های ایشان نشستید و بعد گفته‌های او را در متنی شسته رفته پیاده کردید؟

من یک همزیستی هم با این شخص به عنوان راوی داشتم و او را می‌شناختم. بنابراین بعد از پنج جلسه گفت‌وگو به این گفتار متن رسیدیم و درنهایت روایت را هم به خود ایشان سپردیم.

از دیگر امتیازات آب بندان، تصاویر هوایی از محیط و آب بندان و محدوده پیرامون آن است. می‌دانم که تصویربردار فیلم هم خودتان بودید. شاید اگر دوربین روی زمین و هم‌سطح آدم‌های روستا بود، کار این قدر جذابیت نداشت اما حالا با اتخاذ این شیوه و حرکات آهسته، فیلم، عمق بیشتری پیدا کرده و تاثیر تخریب و نابودی آب بندها در این تصاویر زیبا و شاعرانه بیشتر خودش را نشان می‌دهد.

ممنون از تعریف شما. یکی از اولویت‌هایم در همه کارهایی که تا امروز انجام داده‌ام و آن را از اساتید هم یاد گرفتم، جدی گرفتن پژوهش تصویری است. طی پژوهش تصویری همین فیلم هم به این نتیجه رسیدم که یکی از فرم‌ها و شیوه‌های تصویری کار، تصاویر هوایی باشد، اما تصاویر اسلوموشن در فیلم نداشتیم ولی سعی کردیم در آن تصاویر هوایی دوربین ساکن باشد یا حرکت دوربین به حداقل برسد.

نخستین نمای فیلم که بسیار هم زیباست و ماهیگیران در حال صید هستند، مگر اسلوموشن نیست؟

دقیقا، درست است (می‌خندد). نمی‌دانم چرا آن را فراموش کردم. فقط همین نما را به صورت صحنه آهسته می‌بینیم. درمجموع به این فرم در تصاویر رسیدیم. ضمن اینکه می‌خواستم مراحل کاشت، داشت و برداشت را به شکل متفاوت و با نگاه دیگری به مخاطب نشان دهیم.

فقط هم این تصاویر شکل زیبایی‌شناسانه و کارت‌پستالی ندارد و به ارتقای مفهوم روایت کمک می‌کند و به آداب، سنن و فرهنگ مردم روستاگره می‌خورد.

پلان‌های زیادی داشتیم که خیلی هم برای آن زحمت کشیده بودیم اما صرفا به این دلیل که فکر کردیم فیلم را به سمت تصاویر کارت‌پستالی و نمایشگاهی می‌برند، آنها را در تدوین حذف کردیم و درعوض سراغ تصاویری رفتیم که به کار روایت کمک کند.

ویترین سینمای مستند

«آب بندان» در بخش مسابقه ملی نیمه‌بلند هفدهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت حضور دارد. وقتی از رضا اکبریان می‌پرسیم چه پیش‌بینی‌ای درباره موفقیت در این رویداد و دریافت جایزه در این بخش دارد، می‌گوید: درمورد جوایز هیچ پیش‌بینی‌ای ندارم چون همه چیز به نگاه داوران و قضاوت آنها بستگی دارد. ضمن اینکه جزیکی دو فیلم از جمله مستند «به شکوه نگاه می‌کنم» که خودم فیلمبردار آن بودم، آثار این دوره را ندیده‌ام و برآیندی از این رقابت ندارم. کارگردان مستند آب بندان، جشنواره سینماحقیقت را ویترین سینمای مستند می‌داند و می‌افزاید: این رویداد بهترین فرصت و موقعیت برای نمایش فیلم‌های مستند در ایران است و اتفاقات خوب و مثبتی در حوزه سینمای مستند را رقم زد.

قاب

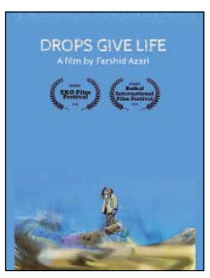
رونمایی از پرتره سیدجمال‌الدین اسدآبادی

اولین نمایش مستند سینمایی «جمال‌الدین» که برشی از زندگی سیدجمال‌الدین اسدآبادی است، روز گذشته ۲۸ آذر در جشنواره «سینماحقیقت» رقم خورد. این مستند محصول مرکز مستند سوره‌هژبه تهیه‌کنندگی امیر روئینی و کارگردانی امیر روئینی و علی کوشاست و برشی از زندگی و فعالیت‌های مبارزاتی سیدجمال‌الدین اسدآبادی، اندیشمند سیاسی را روایت می‌کند که با مرور اتفاقات رخ‌داده در ایران آن روز، داستان خود را تا نهضت توتون و تنباکو برای مخاطب به تصویر کشیده است. جمال‌الدین، امروز در سانس ۲۱و۳۰ دقیقه تا ۲۳و۳۰ دقیقه در سالن۵ پردیس سینمایی چارسو به نمایش درمی‌آید.



رویداد

مستند ایرانی برگزیده جشنواره بیردوینو



فیلم «قطره‌ها جان می‌بخشند» ساخته فرشید آذری برنده جایزه بهترین فیلم مستند تغییرات آب و هوایی، هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های مستند بیردوینو (Bir Duino) قرقیزستان شد.

«قطره‌ها جان می‌بخشند» روایتگر زندگی مش حسین است که بیش از ۳۰ سال است هر روز بی‌هیچ کمکی، چند کیلومتر را در ارتفاعات صعب‌العبور می‌پیماید تا در منطقه‌ای که زیست جانوران به علت خشکسالی در معرض خطر است، حیوانات و پرندگان تشنه را سیراب کند. این مستند نیمه‌بلند با درک مسأله و موضوع اهمیت آب در زندگی، پیش از این جشنواره، موفق به کسب جایزه ویژه بیست و دومین دوره جشنواره محیط زیستی فیلم بایکال و جایزه بهترین فیلم چهل و هشتمین دوره جشنواره «اکو فیلم»، قدیمی‌ترین جشنواره محیط زیستی اروپا در جمهوری چک شده است.

فرشید آذری، فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی کارگردانی سینما از دانشگاه سوره تهران است. او علاوه بر کارگردانی فیلم‌های مستند و کوتاهی چون «آستانه»، «خادم»، «پنجاه‌وهفت»، «نقش» و... طراحی استوری بورد و مدیریت فیلمبرداری و تدوین بسیاری از فیلم‌های مستند و داستانی را نیز در کارنامه دارد.

نکوداشت

بزرگداشت امروز اصغر بختیاری



در هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران سینما حقیقت از اصغر بختیاری فیلمبردار، مستندساز و پیشکسوت روایت فتح تقدیر خواهد شد. این مراسم امروز چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۲ از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در پردیس سینمایی چهارسو در تقاطع خیابان جمهوری اسلامی و خیابان حافظ با حضور هنرمندان، مدیران و شخصیت‌های فرهنگی- هنری کشور برگزار خواهد شد. اصغر بختیاری، متولد ۱۳۴۵ در شهرری، فیلمبردار، مستندساز و یکی از اعضای هسته اصلی گروه مستندسازی روایت فتح است که در چند مستند شهید سیدمرتضی آوینی حضور داشته است. داوری در چند جشنواره داخلی و بین‌المللی و مدیریت گروه مستند روایت فتح و تهیه و تولید بیش از ۱۰۰ مستند در حوزه‌های انقلاب و دفاع مقدس و جبهه مقاومت ازجمله سوابق کاری و حرفه‌ای این مستندساز به شمار می‌آید. او در نهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم سینماحقیقت، جایزه بین‌المللی شهید آوینی را برای ساخت مستند کوتاه «نشانی» دریافت کرد.